

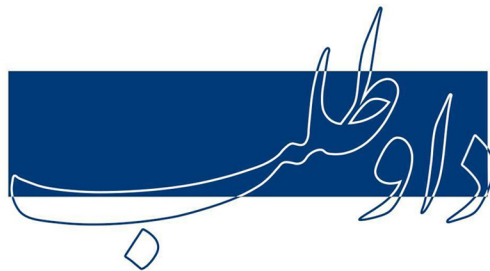
پرونده ویژه داوطلب

مروری بر وضعیت کارگران و جنبش

کارگری ایران در سال ۱۴۰۱

تکاپو برای «حق اعتراض» و «آزادی

انجمنه»



davtalab.org

بهار ۱۴۰۲

فهرست مطالب:

۳	مقدمه
	بخش اول
۶	- اعتراضات کارگری
۷	- نقشه اعتراضات کارگری و کانون‌های بحران
۷	- گستردگی
۸	- پراکندگی
۸	- طولانی‌ترین و خبرسازترین اعتراض صنفی
۸	- مهمترین مطالبات
۹	- شیوه اعتراضات
۹	- تجربه‌های موفق و نقاط عطف اعتراضات
۱۰	- نکات کلیدی درباره اعتراضات
	بخش دوم
۱۲	- اعتراضات کارگری و جنبش «زن، زندگی، آزادی»
۱۵	- مواجهه کنشگران کارگری با جنبش «زن، زندگی، آزادی»
	بخش سوم
۲۱	- مواجهه حکومت با کنش‌ها و مطالبات کارگری
۲۱	- لوایح و طرح‌ها در حوزه روابط کار
۲۵	- رویکرد حکومت نسبت به فعالیت‌ها و کنش‌های صنفی و کارگری
۲۸	جمع‌بندی و پیشنهادات
۳۱	منابع



ایران در سال ۱۴۰۱ و بویژه در نیمه دوم آن دستخوش تحولات پیچیده‌ای شد. تبعات بیرون ریختن خشم اجتماعی ناشی از مرگ مشکوک «مهسا امینی» و متعاقب آن به راه افتادن جنبش مردمی و ضدحکومتی که دهها شهر کشور را در برگرفت موجب شد تا تکاپوی سایر گروههای اجتماعی از جمله کارگران برای بدست آوردن حق اعتراض و مطالبه گری با فراز و فرودهایی مواجه شود. جنبش کارگری که ماههای آغازین سال ۱۴۰۱ را با تجمعات متوالی و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی و معلمان آغاز کرده بود و با وجود بدست آوردن برخی دستاوردها همچون اجرای قانون نظام رتبه‌بندی معلمان و اجرای با تاخیر مصوبه مزدی شورای عالی کار در خصوص افزایش مستمری بازنشستگان سایر سطوح، با بازداشت و پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی و کارگری در آستانه روز جهانی کارگر تا حدی به حاشیه رفته و سرکوب شده بود؛

با ظهور جنبش «زن، زندگی، آزادی» و گسترش ناآرامی‌های اجتماعی در شش ماهه دوم سال سه مرحله را پشت سر گذاشت:

- رکود کوتاه مدت در فعالیتهای میدانی (شهریور تا ابتدای مهر ۱۴۰۱)

- تمرکز بر کنش‌های مجازی و ایجاد وقفه در فعالیتهای میدانی (شهریور تا مهر ۱۴۰۱)

- از سرگیری فعالیتهای میدانی و صنفی در برخی حوزه‌ها از جمله صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای، صنایع زیرمجموعه خودروسازی فولاد و ذوب آهن، شاغلان و بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان تامین اجتماعی (بازه زمانی آبان تا اسفند ۱۴۰۱)

با این توضیح، گزارش پیش رو دو هدف اصلی را دنبال می‌کند:

- شناسایی چالش‌ها و مسائل کارگری و موارد نقض حقوق بنیادین در ایران

- ترسیم نقشه اعتراضات کارگری و شناسایی ترندهای اصلی در حوزه کارگری

بر این اساس، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد:

- کنش‌های میدانی تحت تاثیر اعتراضات سراسری در ایران دچار نوسان و محدودیت‌هایی شده، اما همچنان ادامه یافته است.

- در حالیکه اعتراضات میدانی گروه‌هایی از مزدبگیران همچون معلمان در پی شدت سرکوب‌ها به تدریج از ابتدای تابستان ۱۴۰۱ کاهش یافته اعتراضات کارگران در صنایع مادر از جمله نفت، فولاد و ذوب آهن، شرکت‌های تولیدکننده قطعات خودرو و همچنین مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی همچون تامین اجتماعی و مخابرات در حال افزایش بوده است.

- برخی از اعتراضات صنفی همچون اعتراضات مجازی و تحصن معلمان و همچنین اعتصاب کارگران پروژه‌ای نفت همزمان و در راستای همبستگی با اعتراضات مدنی و اجتماعی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ برگزار شده‌اند.

- در شش ماه دوم ۱۴۰۱ برای دهها فعال صنفی و کارگری به دلیل تلاش برای احقاق حقوق صنفی، احکام اخراج، انفصال از خدمت، کسر از حقوق پرونده‌سازی، بازداشت و حبس صادر شده است. عمده این افراد، از فعالان صنفی معلمان و فعالان سندیکایی هستند.

- طرح‌ها و لوایح دولت و مجلس با هدف اصلاح قانون کار و قانون تامین اجتماعی در یک سال گذشته نیز در جریان بوده است.

- شیوه مواجهه حاکمیت با اعتراضات صنفی و کارگری با بی‌توجهی برخوردهای سلبی و پرونده‌سازی همراه بوده است.

گفتنی است این یافته‌ها در نتیجه جمع‌آوری گزارش‌های ماهانه داوطلب از روند برگزاری کنش‌های کارگری در سال ۱۴۰۱ و در نتیجه رصد دقیق گزارش‌ها و خبرهای منتشر شده و تایید شده در رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی بدست آمده و به دلیل محدودیت‌های ناشی از عدم دسترسی به اطلاعات جزئی‌تر از وضعیت سایر بخش‌هایی که ممکن است در زمره کانون‌های بحران کارگری قرار داشته باشند، تنها بیانگر بخشی از وقایعی است که جامعه کارگری ایران در یک سال گذشته تجربه کرده است.



بخش اول:

بررسی نقشه اعتراضات

(شناسایی کانون های بحران کارگری، گستردگی

پراکندگی، ویژگی های آن وغیره)

اعتراضات کارگری

پس از وقایع اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ و بازداشت دهها فعال صنفی سرشناس همزمان با اعتراضات معلمان در روز جهانی کارگر و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در روزهای پس از آن، به تدریج فضای امنیتی بر فعالیتها به خصوص در سطح صنفی و فعالیت مستقل سندیکایی سایه افکند. گرچه کنشهای کارگری و روند مطالبهگری در حوزههای کاری مختلف از کارگران پیمانی شاغل در معادن خصوصی تا کارگران شهرداری و کارگران پیمانی پروژههای نفت و گاز در سطح خرد ادامه داشت، اما تنها یک گروه خیابانها را ترک نکردند؛ بازنشستگان تامین اجتماعی! راهپیماییهای خودجوش و مستمر بازنشستگان پس از اعلام دولت مبنی بر افزایش تنها ده درصدی مستمری (به جای ۳۸ درصد مصوب شورایعالی کار)، برای حدود ۵ ماه (از فروردین تا مرداد ۱۴۰۱) به صورت هفتگی در شهرهای مختلف کشور ادامه داشت. تا اینکه سرانجام در پایان مرداد ماه، دولت پذیرفت مصوبه شورایعالی کار را در خصوص افزایش مستمری اجرایی کند. گرچه این افزایش همچنان جوابگوی فاصله زیاد مزد از معیشت نبوده و نیست، اما بسیاری از فعالان کارگری عقب نشینی دولت در مقابل اراده بازنشستگان را تجربه‌ای موفق در حرکت‌های کارگری سالیان گذشته می‌دانند.

با این حال در روزهای پس از آن و همزمان با شروع اعتراضات سراسری ضدحکومتی در ایران، جامعه کارگری روزهای پرافت و خیزی را سپری کرد. نقشه اعتراضات کارگری که با رصد گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ترسیم شده؛ نشان‌دهنده کانون‌های بحران، گستردگی، پراکندگی، شیوه اعتراضات، مهمترین مطالبات و ویژگی‌های اعتراضات است.

نقشه

اعتراضات کارگری

- کانون‌های بحران کارگری

مروری بر جداول مرتبط با اعتراضات کارگری برگزار شده که به صورت گزارش‌های ماهانه در وبسایت داوطلب منتشر شده نشان می‌دهد که مهمترین کانون‌های بحران کارگری بر اساس توالی اعتراضات و تعدد انتشار خبرهای پیرامون آنها در بازه زمانی یک سال گذشته شامل موارد زیر بوده است:

- گروه‌های صنفی مزدبگیران: معلمان، پرستاران و کادر درمان بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات
- صنایع نفت، گاز و پتروشیمی: کارگران پروژه‌ای (پیمانی)، ارکان ثالث، عملیاتی و رسمی
- صنایع حمل و نقل شهری و جاده‌ای: رانندگان اتوبوسرانی کامیونداران و رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای
- صنایع تولیدی: کارگران صنایع فولاد، ذوب‌آهن و خودروسازی (تامین قطعات)
- معادن: کارگران معادن بخش خصوصی-نیمه خصوصی
- خدمات (عمومی): کارگران شهرداری و حوزه خدمات شهری

- گسترده

همچنین بررسی کمی و کیفی اعتراضات حاکی از برگزاری گسترده‌ترین اعتراضات کارگری در موارد زیر است:

- بازنشستگان تامین اجتماعی
- کارگران و بازنشستگان مخابرات
- کارگران پیمانی، عملیاتی، ارکان ثالث و رسمی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی
- کارگران صنایع ذوب‌آهن و خودروسازی (تامین قطعات)
- معلمان

بالاترین سطح مشارکت کارگران در تجمعات و اعتراضات میدانی نیز به ترتیب به بازنشستگان تامین اجتماعی کارگران و بازنشستگان مخابرات کارگران تامین قطعات خودرو (گروه صنعتی کروز و بهمن موتور، مرتب خودرو) کارگران ذوب آهن اصفهان و کارگران عملیاتی و رسمی صنایع نفت گاز و پتروشیمی تعلق می‌گیرد.

-پراکندگی

در همین راستا، بررسی میزان پراکندگی اعتراضات برگزار شده نشان می‌دهد که این اعتراضات به ترتیب در استان‌های تهران، بوشهر، خوزستان، اصفهان، قزوین با پراکندگی بیشتری دنبال شده است.

-طولانی‌ترین و خبرسازترین اعتراض صنفی

پرسروصداترین اعتراض صنفی از نظر گستردگی و سطح پراکندگی نیز به ترتیب مربوط به اعتراضات صنفی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و کامیونداران و رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای بود. در پی اجرا نشدن ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مبنی بر افزایش بدون تبعیض حقوق و مزایای کارکنان شاغل در وزارت نفت برخی از کارکنان واحدهای رسمی، عملیاتی و ارکان ثالث پالایشگاههای نفت و گاز جنوب کشور که نزدیک به ۳ میلیون از کارگران این بخش را نمایندگی می‌کنند، در بازه‌های زمانی مختلفی در پاییز و زمستان ۱۴۰۱ اقدام به برگزاری تجمع و اعتصاب غذا کردند که با وجود دادن وعده‌هایی از سوی مسئولین برای پیگیری مطالبات مطرح شده، این مطالبات به نتیجه مطلوب نرسیده است. علاوه بر کارگران مناطق نفتی، کامیونداران و رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای به کاهش سهمیه سوخت، پایین بودن نرخ کرایه حمل بار و عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی اعتراض کردند که به اعتصاب ۱۰ روزه (۵ آذر تا ۱۵ آذر) آنها در برخی شهرهای کشور منجر شد.

-مهمترین مطالبات

- در عین حال **مهمترین مطالبات** مطرح شده از سوی کارگران در یکسال گذشته، عبارتست از:
- افزایش دستمزد و مستمری متناسب با مصوبات شورای عالی کار
 - پرداخت معوقات مزدی، بیمه‌ای، رفاهی و تامین امنیت شغلی
 - افزایش حقوق و مزایای رفاهی و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل
 - اجرای مصوبات قانونی و تبدیل وضعیت قراردادهای موقت و شرکتی
 - لغو پیمانکاری‌ها و افزایش نظارت بر واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی
 - اجرای عادلانه و کامل تعرفه‌گذاری پرستاران
 - اجرای قوانین و مقررات مرتبط با افزایش حقوق و مزایای کارگران عملیاتی و رسمی
 - نفت (تعویق در اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت)
 - اعتراض به ناکارآمدی مدیریتی، وضعیت بی‌ثبات برخی شرکت‌ها و بلاتکلیفی کارگران (ذوب آهن اصفهان، فولاد اهواز، مرتب خودرو)
 - پایان دادن به برخورد سرکوبگرانه و امنیتی با فعالان کارگری
 - همراهی با اعتراضات سراسری



- شیوه اعتراضات

اعتراضات کارگری برگزار شده در یکسال گذشته عمدتاً به سه شیوه برگزار شده‌اند:

- برگزاری تجمعات و راهپیمایی در محل کار و در مقابل ادارات و سازمان‌های دولتی و حاکمیتی
- اعتصاب و توقف کار
- انتشار بیانیه‌های اعتراضی و کنش‌های مجازی (طوفان توئیتری، فعالیت در گروه‌ها و کانال‌های واتساپی، تلگرامی و برگزاری اتاق‌های گفتگو در کلاب‌هاوس، هشتگ زنی جمع‌آوری امضا در پلتفرم‌های کارزار و فارس من)

- تجربه‌های موفق و نقاط عطف اعتراضات کارگری ۱۴۰۱

با وجود محدودیت‌های اعمال شده بر سر راه فعالیت آزادانه فعالان صنفی و کارگری برخی فعالیت‌های صنفی و کارگری با موفقیت‌ها و دستاوردهایی همراه بود. به عنوان مثال؛ اعتصاب صنفی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که در روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه به توقف حرکت اتوبوس‌ها در برخی پایانه‌های تهران و اختلال در سیستم حمل و نقل شهری منجر شده بود، در اعتراض به عدم اجرای مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۵۷ درصدی دستمزد برگزار شد. در نهایت به عقب‌نشینی کارفرما و افزایش دستمزد کارگران تا ۴۰ درصد منجر شد. همچنین پس از پنج ماه (فروردین تا مرداد ۱۴۰۱) اعتراضات مستمر و گسترده بازنشستگان تامین اجتماعی در بسیاری از شهرها و استان‌های کشور، سرانجام دولت پذیرفت مصوبه شورای عالی کار را در خصوص افزایش مستمری غیرحداقل بگیران برای سال ۱۴۰۱ اجرایی کند. دولت قصد داشت در سال گذشته مستمری بازنشستگان غیرحداقلی بگیر را برخلاف قانون تنها ۱۰ درصد افزایش دهد اما در نهایت به افزایش ۳۸ درصد مطابق با قانون رضایت داد.

از نقاط عطف کنش‌های صنفی و کارگری حضور زنان در اعتراضات صنفی معلمان و اعتراضات کارگری برخی واحدهای کار از جمله گروه قطعه‌سازی کروز در تهران بود که منجر به برگزاری دو تا سه تجمع صنفی خبرساز در این واحد صنعتی شد.

نکات کلیدی درباره اعتراضات؛

- کنش‌های مجازی

در کنار تلاش برای فعالیت‌های حقیقی و میدانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های زیادی به همراه دارد، استفاده از فضای مجازی با وجود دور زدن فیلترینگ گسترده به عنوان بستری برای گفتگو، به اشتراک گذاری و سازماندهی کنش‌های جمعی کماکان در دستور کار کنشگران کارگری قرار دارد. انتشار فراخوان برگزاری تجمع و اعتصاب، راه‌اندازی کارزار جمع‌آوری امضاء (پلتفرم‌های داخلی^۱ و پیام‌رسان‌های خارجی^۲) صدور بیانیه و برگزاری طوفان توئیتری^۳ از جمله اقداماتی است که در یکسال گذشته نیز در جریان بوده است. برخی از این کنش‌های اعتراضی همچون معلمان و اعتراضات کارگران پیمانی نفت در امتداد تلاش برای تحقق اهداف صنفی، همراهی با اعتراضات سراسری ضدحکومتی را نیز دنبال می‌کردند.

- فقدان آزادی تاسیس انجمن‌ها

روند تاسیس و فعالیت تشکل‌ها و انجمن‌های کارگری در ایران با چالش‌های جدی روبروست. در فصل ششم قانون کار ایران، فعالیت تشکیلاتی کارگران محدود به سه تشکل شورای اسلامی کار، انجمن صنفی کارگری و انتخاب نماینده کارگری شده که به دلیل وجود نمایندگان دولت و کارفرمایان در ساختار اجرایی خود، در عمل نیز فاقد استقلال تشکیلاتی هستند. با این حال حتی همین انجمن‌های شبه‌حکومتی نیز در یکسال گذشته با چالش‌هایی برای برگزاری مجامع عمومی و یا فعالیت خود مواجه بودند. نمونه آن ممانعت از برگزاری تجمعات صنفی کانون انجمن‌های صنفی کارگران صنعت گاز استان بوشهر که در بهمن ماه ۱۴۰۱ خیرساز شد و بازداشت برخی از اعضای این کانون را در پی داشت. درعین حال، این محدودیت‌ها باعث شده تا روند مطالبه‌گری کارگران زیر سایه فقدان حق آزادی انجمن قرار گیرد و به نتیجه مطلوب نرسد.

۱. برخی از پلتفرم‌های داخلی که کار جمع‌آوری امضا برای کمپین‌ها را انجام می‌دهند، عبارتند از: کارزار و فارس من

۲. تلگرام، واتساپ

۳. طوفان توئیتری شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان برای آزادی معلمان زندانی و طوفان توئیتری #نه_به_کودک_کشی توسط شورا برای محکومیت کشتار کودکان و دانش‌آموزان در جریان جنبش اعتراضی ضدحکومتی

- فقدان سازمان یافتگی

تداوم روند ایجاد محدودیت برای فعالیت آزادانه تشکل‌های کارگری در ایران و همزمان وجود چالش‌های درونی در فعالیت تشکیلاتی، سازماندهی موثر کنش‌های جمعی را با مشکلاتی مواجه کرده است. به نحوی که در شش ماهه دوم سال با وجود تلاش برخی تشکل‌های شناخته شده همچون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان برای سازماندهی کنش‌های صنفی، این تشکل‌ها نتوانستند در سازماندهی ذینفعان و انگیزه‌بخشی به گروه‌های هدف خود موثر عمل کنند.

- تشکل مجازی و فراخوان‌های بی‌نتیجه

ایجاد کانال‌ها و گروه‌های مجازی برای اطلاع‌رسانی از وضعیت کارگران و گروه‌های صنفی در سال‌های گذشته به روندی متداول در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است. در بسیاری از موارد از هویت گردانندگان این کانال‌ها که اغلب با عنوان «شورا»، «اتحادیه» و غیره فعالیت می‌کنند، اطلاعی در دست نیست. گروه‌هایی مجازی که گاه در راستای مأموریتی که برای خود تعریف کرده‌اند، اهدافی فراصنفی را دنبال می‌کنند. نمونه آن «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» که در جریان اعتراضات مردمی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ با اطلاع‌رسانی در خصوص روند اعتراضات در مناطق نفت و گاز تلاش می‌کرد نسبتی میان کنش‌های کارگری و اعتراضات ضدحکومتی ایجاد کند. صدور فراخوان‌های متعدد برای برگزاری تجمع و اعتصاب از جمله اقدامات اینگونه تشکل‌هاست که عمدتاً بدلیل عدم شناسایی دقیق ظرفیت‌های درونی (قدرت بسیج و سازماندهی کارگران) و بیرونی (واکنش‌های امنیتی به تحرکات کارگری) و تمرکز بر خبرسازی رسانه‌ای، بی‌نتیجه و شکست خورده است و می‌تواند اعتبار این تشکل‌ها را حتی اگر واقعی باشند زیر سوال ببرد.



- سریال شدن اعتراضات

روند روبه گسترش بحران‌های اقتصادی و ناکارآمدی دولت در پاسخگویی به مطالبات گروه‌های مختلف مزدبگیران منجر به شکل‌گیری اعتراضات صنفی فراگیر و سریالی در ایران شده است. با مروری بر خبرهای منتشر شده در یکسال گذشته می‌توان دریافت که **گروه‌هایی چون معلمان، بازنشستگان تامین اجتماعی، کارگران و بازنشستگان مخابرات و کارگران صنایع نفت و گاز** از جمله گروه‌هایی هستند که کنش‌های میدانی دامنه‌داری را در بین گروه‌های صنفی و کارگری برای پیگیری مطالبات خود انجام داده‌اند. با وجود این، بسیاری از همین کنش‌های سریالی و دامنه‌دار به دلیل فقدان سازماندهی موثر بدنه، به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند.

بخش دوم:

اعتراضات کارگری ومواجهه فعالان کارگری

باجنبش اجتماعے «زن، زندگے، آزادی»



اعتراضات کارگری و «جنبش زن، زندگی، آزادی»

در زمان تدوین این گزارش، دقیقا شش ماه از انتشار خبر مرگ مهسا امینی ۲۲ ساله در جریان بازداشت توسط پلیس امنیت اخلاقی تهران و ظهور جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌گذرد. جنبشی که گرچه با مطالبه مدنی «توقف فعالیت گشت ارشاد» و «لغو حجاب اجباری» و توسط زنان آغاز شد اما با گسترش سرکوب حکومتی و خشونت‌بار شدن تقابل خیابانی بین مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی، به تدریج شکل و شمایل «ضدحکومتی» به خود گرفت.

از همان روزهای نخستین شروع اعتراضات و محوریت یافتن شعار «زن، زندگی، آزادی» که همزمان با تلاش برای تحقق مطالبات مدنی و سیاسی زنان و جوانان، مطالبه زندگی بهتر و رفاه بیشتر را برای اقشار مختلف دنبال می‌کرد، نسبت میان این جنبش اجتماعی و مطالبات طبقات مختلف و به خصوص گروههای کارگری آشکارتر می‌شد. با این حال برخی عوامل موجب شد تا جنبش کارگری نتواند پیوندی قابل اتکا میان مطالبات خود با خواست مردمی که در خیابان فریاد «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دادند، ایجاد کند. این عوامل عبارتند از:

- فقدان رویای مشترک:

نادیده گرفتن شعارهای مرتبط با عدالت اجتماعی و مطالبه بهبود معیشت مردم از یک سو و تمرکز بر مطالبات مدنی و سیاسی از سوی دیگر، منجر به آن شد تا رویای مشترکی برای سازماندهی یک جنبش اجتماعی فراگیر میان معترضان به سیاست‌های ایدئولوژیک حکومت با سایر جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش کارگری شکل نگیرد.



- فقدان نقشه‌راه برای همراهی و همکاری گروههای مختلف اجتماعی با یکدیگر

جنبش اعتراضی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ که در نتیجه فوران خشم اجتماعی از قتل یک زن جوان توسط پلیس امنیت اخلاقی رخ داده بود، چه در فاز نظری و چه در فاز عملیاتی در وجه رماتیک و هیجانی خود باقی ماند و فاقد نقشه راهی برای همراهی و همکاری گروههای مختلف اجتماعی با یکدیگر بود. فقدان نقشه راه منجر به آن شد تا گروههای مختلف اجتماعی از جمله کارگران در مقاطعی با جنبش همراه شوند و در مقطعی دیگر از آن فاصله بگیرند.

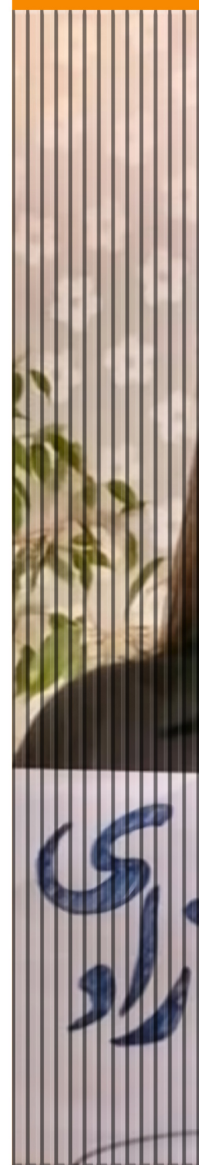
- شکاف بین جامعه مدنی سنتی و جنبش اعتراضی زن زندگی آزادی

یکی دیگر از عواملی که منجر به آن شد تا پیوندی معنادار میان کارگران و جنبش اعتراضی مردمی ایجاد نشود، شکاف عمیق میان معترضین و جامعه مدنی در ایران بود. زبان، ادبیات و شیوه کنشگری جوانانی که جنبش اعتراضی مردمی ایران را نمایندگی می‌کردند، فاصله زیادی با ساختار فرسوده و فرتوت حاکم بر جامعه مدنی و کنشگران آن داشت. به نحوی که جنبش «زن، زندگی، آزادی» عملاً نسبتی با سازمان‌ها و گروه‌های مدنی، صنفی و سیاسی نداشت و کنش‌های اعتراضی غیرسازماندهی شده را در دستور کار خود قرار داده بود. در نتیجه چنین شکافی، حتی تشکلهای مستقل کارگری و صنفی (همچون شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان) نیز نتوانستند از بیانیه‌نویسی و صدور فراخوان‌هایی برای همراهی با جنبش مردمی جلوتر بروند و نقش راهبردی در بسیج گروه‌های ذینفع خود و پیشبرد اهداف جنبش داشته باشند.

- سرکوب گسترده حکومت از طریق بازداشت، کشتار یا اعدام معترضین

مواجهه حکومت با اعتراضات سراسری از همان ابتدا با سرکوب و خشونت همراه بود. به نحوی که بر اساس گزارشهای غیررسمی، تعداد جان باختگان در فاصله شهریور تا دی ۱۴۰۱ به بیش از ۵۰۰ نفر رسید. در این فاصله ۴ نفر از بازداشت‌شدگان در اعتراضات سراسری اعدام شدند و صدها نفر کماکان در بازداشت به سر می‌برند. در این میان گروه‌های کارگری از جمله کارگران پیمانی نفت نیز که اقدام به همراهی با اعتراضات سراسری کردند، با سرکوب گسترده و بازداشت حدود ۲۵۰ کارگر معترض مواجه شدند. این شیوه مواجهه با اعتراضات منجر به آن شد تا برخی گروه‌های اجتماعی که نسبت به گروه‌های کارگری از ظرفیت درونی کمتری برای سازماندهی برخوردارند، عقب‌نشینی کنند.

با در نظر گرفتن این عوامل اگر سیر حرکت گروه‌های صنفی و کارگری در مواجهه با جنبش زن، زندگی، آزادی را به سه مرحله تقسیم کنیم می‌توان گفت که این گروه‌ها در مرحله اول و در روزهای آغازین شروع اعتراضات عمدتاً تماشاگر و نظاره‌گر بودند. اما در گام دوم و پس از مدت کوتاهی سعی کردند با صدور فراخوان‌هایی به جمع حامیان این اعتراضات پیوندند. با این حال این اقدامات (بخصوص در بین تشکلهای صنفی معلمان و کارگران نفت) به دلیل سرکوب گسترده، فقدان بسیج گروه‌های ذینفع و عدم سازماندهی، اثربخشی لازم را نداشت. این روند باعث شد تا در گام سوم، پیشبرد مطالبات صنفی و ایجاد پیوند میان این مطالبات با مطالبات سیاسی و مدنی در دستور کار کنشگران کارگری قرار گیرد.



مواجهه کنشگران کارگری با جنبش «زن، زندگی، آزادی»

اما مواجهه کنشگران و فعالان کارگری با تحولات اجتماعی حاکم بر فضای جامعه ایران در دو سطح دنبال شد:

۱- مشارکت مستقیم کنشگران برخی از حوزه‌های صنفی و کارگری در جنبش اعتراضی (تشکل‌های صنفی معلمان و کارگران پروژه‌های نفت و انتشار منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی)

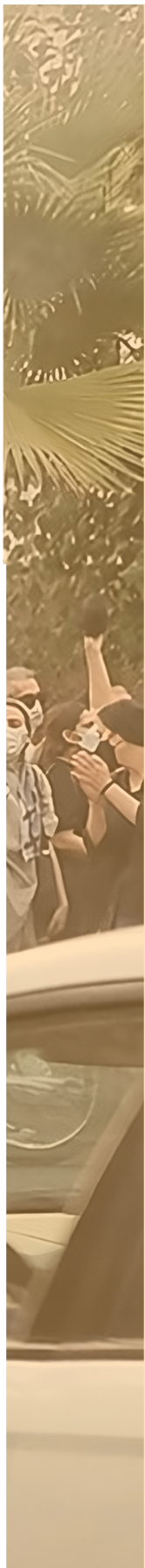
مروری بر آنچه از روزهای آغازین جنبش اعتراضی مردم ایران بر فضای فعالیت صنفی و کارگری گذشته نشان می‌دهد که برخی گروه‌های صنفی و کارگری از جمله کانون‌ها و تشکل‌های صنفی معلمان و کارگران پروژه‌های مناطق نفتی از اولین گروه‌هایی بودند که با صدور فراخوان‌ها، گزارشدهی در خصوص فضای فعالیت صنفی و انجام کنش‌های اعتراضی میدانی و مجازی با اعتراضات سراسری اعلام همبستگی کردند. از جمله اقدامات این گروه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فراخوان‌هایی از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران برای تحصن و اعتصاب معلمان در مدارس در اعتراض به بازداشت و کشته شدن کودکان و نوجوانان شرکت کننده در اعتراضات صادر شد که با استقبال محدودی از سوی معلمان در برخی از شهرها بویژه کردستان مواجه شد.

- طوفان‌های توئیتری چون #نه_به_کودک_کشی توسط شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در نیمه آبان ۱۴۰۱ برگزار شد.

- فراخوان برای پیوستن به اعتراضات سراسری توسط گروه مجازی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و برگزاری اعتصابات و تجمعات اعتراضی هماهنگ توسط کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی (حداقل در دو نوبت) صادر شد که

جمعی از کارگران در این تجمعات شرکت کرده و با برخوردهایی مواجه شدند.





انتشار منشور مطالبات حداقلی توسط ۲۰ تشکل صنفی و مدنی که اغلب آنها تشکل‌های حامی کارگران بودند، واکنش‌های زیادی را در پی داشت. امضاکنندگان این منشور که متن آن را در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷ منتشر کردند با طرح ۱۲ مطالبه خواستار اتحاد و به هم پیوستن جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر تحت حاکمیت جمهوری اسلامی شدند. تشکل‌هایی چون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و اتحاد بازنشستگان که غیر از شورای صنفی فرهنگیان اغلب به صورت مجازی فعالیت می‌کنند از جمله امضاکنندگان این منشور مطالباتی بودند.

انتشار منشور مطالباتی ۲۰ تشکل صنفی و مدنی در همبستگی با اعتراضات اجتماعی در ایران، واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی را در پی داشت. گرچه کاربران شبکه‌های اجتماعی انتشار این منشور را گامی به پیش در جهت تحقق همبستگی گروه‌های اجتماعی دانسته‌اند، اما انتقاداتی هم به محتوای این منشور، مطالبات مطرح شده در آن و هویت جعلی برخی امضاکنندگان وارد شد. منتقدین این منشور را دارای محتوایی انقلابی، رادیکال و فاقد چشم اندازی روشن برای پیگیری مطالبات دانستند و ضمن اشاره به هویت به گفته آنها جعلی و غیرواقعی تعدادی از تشکل‌های امضاکننده این منشور، امضای آن توسط برخی از گروه‌ها همچون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان را مغایر با اصول فعالیت صنفی و خلاف رویه مصوب در اساسنامه این تشکل‌ها عنوان کردند.





در میان کارگران پروژه‌های نفت این مسئله به گونه‌ای دیگر قابل شناسایی است. ماهیت شغلی ناامن، منعطف و قابل جایگزین و همچنین فقدان نقشه راهی برای امکان تشکیل‌یابی این کارگران منجر به آن می‌شود تا کنش‌های صنفی یا سیاسی این گروه از کارگران از اثربخشی لازم برخوردار نباشد. در بین کارگران و کارکنان شاغل در مناطق نفت، گاز و پتروشیمی یکی از **ناامن‌ترین مشاغل از لحاظ نوع قراردادهای کار، امکانات رفاهی و بیمه‌ای و شرایط سخت شغلی متعلق به کارگران پروژه‌های است.** آنها عموماً در قسمت‌های مرتبط با ساخت و نگهداری تجهیزات و سازه‌های پالایشگاهی به صورت پروژه‌های فعالیت می‌کنند و ماهیت شغلی آنها با کارگران بخش‌های بهره‌برداری، تولید و توزیع بخش‌های پالایشگاهی که نبض صنایع نفت و گاز به دست آنهاست، متفاوت است. بنابراین علی‌رغم داشتن سوابقی در انجام فعالیت صنفی^۶، در نبود همراهی سایر کارگران بخش‌های تولید و توزیع صنایع نفت و گاز که به صورت عملیاتی یا رسمی فعالیت می‌کنند، از اثرگذاری کمتری در کنش‌های صنفی-سیاسی برخوردارند.

۶. برگزاری کمپین‌های نسبتاً اثرگذار ۹۹ و ۱۴۰۰ توسط کارگران پروژه‌های برای پیگیری حقوق صنفی همچون اصلاح قراردادهای کار و مرخصی‌های شغلی که به کمپین ۲۰-۱۰ معروف بودند.

در مجموع، گرچه این کنش‌های اعتراضی در پیوند جامعه کارگری با جنبش «زن، زندگی، آزادی» توانست در سطح رسانه ای، سروصدای زیادی به پا کند اما به دو دلیل مهم نتوانست اثربخشی لازم را در پیوند این جنبش‌های مطالبه‌گرانه با یکدیگر و پیشبرد جنبش اعتراضی ضدحکومتی در سطح کلان داشته باشد. این عوامل عبارتند از:

- افت اعتبار تشکیلات گروه‌های صنفی و کارگری:

کنش‌های صنفی معلمان با محوریت فعالیت «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» که در سالهای گذشته برگزارکننده و هماهنگ کننده بسیاری از کنش‌های صنفی معلمان بود، پس از سرکوب و بازداشت گسترده سرشناس‌ترین فعالانش در بهار ۱۴۰۱، به شدت تضعیف شد. رکود نسبی در فعالیت‌های این تشکل صنفی با جنبش «زن، زندگی، آزادی» مقارن شد و آسیب‌های درونی آن که عموماً مبتنی بر فردگرایی تشکیلاتی بود به تدریج نمایان شد. این امر را می‌توان در سطح استقبال نه چندان مطلوب از فراخوان‌های تحصن و اعتصاب این شورا و دعوت از معلمان برای اعتراض به بازداشت و کشتار کودکان و دانش آموزان در جریان اعتراضات سراسری، محدود شدن کنشگری‌های تشکلهای صنفی معلمان به کنشگری‌های مجازی و در نتیجه کاهش وزن تشکیلاتی این شورا (حداقل در

- محدود شدن فضای فعالیت و سرکوب های گسترده / مشارکت پایین بدنه و ذینفعان:

کنشگری فعالان صنفی و کارگری در جریان اعتراضات مردمی تابستان و پاییز ۱۴۰۱، به سرکوب و بازداشت دهها کارگر پروژه‌های در جریان اعتصاب و تجمع کارگران در دوازدهم و سیزدهم مهر ۱۴۰۱ و همچنین بازداشت، پرونده‌سازی و ستاره‌دار شدن تعدادی از معلمان مشارکت کننده در جنبش اعتراضی منجر شد اما یادآوری کمپین‌ها و اعتراضات میدانی معلمان در ماهها و سالهای پیش از شروع اعتراضات مردمی سراسری و اعتصابات گسترده کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در دو تابستان ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، با میزان مشارکت این گروهها در تلاش برای همراهی با اعتراضات اجتماعی مردم، قابل مقایسه نیست.

فعالان صنفی و کارگری با تاکید بر اثرگذاری مستقیم سرکوب‌های خشونت‌بار بر سطح مشارکت بدنه در کنش‌های صنفی و مدنی معتقدند، با وجود تلاش برای ایجاد پیوند میان کنشگران صنفی و مدنی (حداقل در میان گروههایی چون معلمان و کارگران مناطق نفتی) این گروهها به دلیل آسیب‌های درونی و عوامل اثرگذار بیرونی این امکان را نیافتند تا پیوندی مستقیم با جنبش «زن، زندگی، آزادی» ایجاد کنند. از جمله این آسیب‌های درونی می‌توان به همزمانی پرونده‌سازی امنیتی برای تعدادی از سرشناس‌ترین فعالان صنفی معلمان در تابستان ۱۴۰۱ و پیش از پدید آمدن جنبش «زن، زندگی، آزادی» اشاره کرد که جنبش صنفی پیش‌تاز اما آسیب‌پذیر معلمان را با بحران‌های جدی در سازماندهی بدنه برای جلب مشارکت اجتماعی مواجه کند.

به باور آنها افزایش هزینه‌های ناشی از کنشگری‌های مستقیم و میدانی، فقدان امنیت شغلی، تنوع ناموزون قراردادهای کار و موقتی بودن بیش از ۹۰ درصد نیروی کار ایران و از همه مهمتر فقدان سازماندهی تشکیلاتی، از جمله عواملی است که بر سطح مشارکت کارگران در جنبش‌های اجتماعی تاثیرگذار است. علاوه بر اینها به عقیده برخی از فعالان کارگری؛ عواملی چون ضعف جامعه مدنی در بسیج و سازماندهی گروههای اجتماعی، سرکوب گسترده اعتراضات خیابانی و همچنین کنترل و نظارت بیشتر بر تحرکات میدانی و مجازی کارگران، منجر به آن شد تا برخی از این گروهها که در سالهای گذشته پیش‌تاز برگزاری تجمعات اعتراضی گسترده بودند، نتوانند پیوند مستقیمی میان مطالبات خود با جنبش اجتماعی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ ایجاد کنند.



۲- استفاده خلاقانه کارگران و نمایندگان آنان از فضای سیاسی برای پیشبرد مطالبات صنفی

یکی از خلاقانه‌ترین روش‌های پیگیری مطالبات صنفی و کارگری توسط مزدبگیران زمانی دنبال می‌شود که جامعه درگیر تلاش برای تغییر یا اصلاح ساختارهای سیاسی است. در چنین شرایطی، کارگران به دنبال امتیاز گرفتن از کارفرمایان و دولت برای عمل به تعهدات و مطالبات بر زمین مانده هستند. این مسئله را به ویژه می‌توان در میان کارگران کارخانه‌ها و شرکت‌های مادر در صنایع بزرگی چون خودروسازی، فولاد، کارگران رسمی نفت و رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای در شش ماهه دوم سال ۱۴۰۱ و همزمان با جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» دید.

کارگران و کامیون‌داران و برخی مشاغل دیگر از جمله واحدهای صنعتی، در حرکت‌های جمعی خود، هوشمندانه با اعتصاب عمومی برای تحول همراه شدند؛ آنها طول مدت کوتاهی دریافتند که با حفظ هویت صنفی می‌توانند برای همراهی با موج تحول‌خواهی جامعه، هزینه رفتارهای پرسشگرانه را نیز پایین بیاورند. هرچند نمی‌توان درباره انگیزه‌های فردی شرکت‌کنندگان بدون پرسش‌های دقیق از آنان حکم داد ولی موقعیت عمومی جامعه، بر انگیزه‌های فردی و جمعی اثرگذار است پس می‌توان گفت که دست‌کم درصدی از شرکت‌کنندگان در اعتصابات کارگری پاییز ۱۴۰۱، به انگیزه همراهی با جو عمومی تحول‌خواهی در جامعه دست به اعلام جمعی مطالبات صنفی زدند.



بخش سوم:

شیوه مواجهه حکومت با مطالبات

وکنش های کارگران در سال ۱۴۰۱

مواجهه حکومت با کنش‌ها و مطالبات کارگران

رابطه میان حکومت و جامعه کارگری در ایران رابطه‌ای یک طرفه و عمدتاً فاقد وجهه حمایتی است. اگرچه به باور بسیاری از صاحب نظران، «قانون کار ایران» با وجود اشکالات ساختاری در برخی مفاد خود، در صورت اجرای صریح و کامل، قانونی نسبتاً حمایتی برای کارگران است اما سیاست‌های اقتصادی حکومت در طول دهه‌های گذشته عمدتاً بر پایه محدودسازی قوانین و مقررات حمایتی کارگران و تلاشی یکسویه برای آزادسازی فضای فعالیت اقتصادی برای بخش نیمه خصوصی و سرمایه‌داران وابسته به حکومت تنظیم شده است. با این رویکرد، حکومت همواره تلاش کرده تا سیاست‌های محدودسازی و نقض کننده حقوق کارگران را در دو سطح پیگیری کند:

- I. **قانونی:** روندهای حاکم بر روابط کار (طرح‌ها، لوایح، سیاست‌گذاری‌ها)
- II. **عملیاتی:** رویکرد حکومت نسبت به فعالیت‌ها و کنش‌های صنفی و کارگری (محدودیت‌ها و برخوردها)

قانونی: لوایح و طرح‌ها در حوزه روابط کار

مروری بر طرح‌ها و لوایح در حال تدوین و یا در نوبت بررسی در دولت و مجلس نشان می‌دهد که موضوع اصلاح برخی از مواد قانون «کار» و همچنین «قانون تامین اجتماعی» به صورت چراغ خاموش در دستور کار سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران است. اصلاحاتی که عمدتاً با هدف حمایت از تولید و موانع پیش روی آن برای طرف کارفرمایی و همچنین جبران بدهی‌ها و هزینه‌های دولت به سازمان‌های حمایتی چون تامین اجتماعی کلید می‌خورند و حداقل‌های قانونی برای حمایت از نیروی کار را تعدیل کرده یا حذف می‌کنند. نکته مهم این است که روند تدوین و گاه تصویب این طرح‌ها و لوایح با توجه به سند چشم‌انداز و الویت بخشی به فعالیت بخش خصوصی در هیچ یک از دولت‌ها در چهار دهه گذشته، متوقف یا تعدیل نشده و تنها با اعتراضات فعالان کارگری برای مدتی مسکوت باقی مانده و یا به حاشیه رانده شده است.

بررسی تعدادی از طرح‌ها و لوایحی که در یکسال گذشته در دستور کار دولت و مجلس قرار داشته نشان می‌دهد که برخی از این طرح‌ها همچون اصلاح مواد ۱۶۷ (تغییر ترکیب شورای عالی کار به نفع دولت) ۴۱ (دور زدن قانون کار و تلاش برای تصویب مزد منطقه‌ای) و طرح‌های مرتبط با اصلاح قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و افزایش سن بازنشستگی، به طور مستقیم در راستای نقض مفاد حمایتی قانون کار و قانون تامین اجتماعی تدوین شده‌اند و در نوبت بررسی قرار دارند. فعالان کارگری در ماه‌های گذشته هرگونه تعدی و دست‌اندازی به مواد حمایتی قانون کار را محکوم کرده و خواستار توقف اصلاحات یکجانبه بدون حضور فعالان کارگری و کارشناسان روابط کار شده‌اند.

در ادامه به تشریح جزئیات تعدادی از طرح‌ها و لوایح در دولت و مجلس و وضعیت بررسی آنها خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که در برخی گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی به احتمال تدوین برخی طرح‌های دیگری نیز اشاره شده که به دلیل عدم دسترسی به جزئیات این طرح‌ها و گمانه‌زنی در این خصوص، از ذکر آنها خودداری شده است.

– طرح اصلاح ماده ۱۶۷ قانون کار (تغییر ترکیب شورای عالی کار)
آخرین وضعیت: در حال بررسی

قانون کار در ماده ۱۶۷ خود به موضوع شورای عالی کار به عنوان نهادی که مأموریت اصلی آن تعیین حداقل دستمزد سالانه و ایجاد کمیته‌های کارگری و کارفرمایی و تشکیل جلسات و نشست‌هایی برای ارزیابی مولفه‌های اثرگذار بر تعیین مزد کارگران است، می‌پردازد. این شورا متشکل از سه نماینده کارگری، سه نماینده کارفرمایی و وزیر کار و دو عضو معرفی شده از سوی وزارت کار است. با این حال دولت در طرح پیشنهادی خود به دنبال اضافه کردن رئیس سازمان برنامه بودجه و وزیر اقتصاد به این ترکیب است که کفه ترازو را برای دولت که کارفرمای بزرگ شناخته می‌شود، سنگین‌تر کند. ارائه چنین طرحی در حالی صورت گرفته که مجلس ایران در دو سال گذشته در حال بررسی لایحه‌ای برای الحاق به مقاوله‌نامه ۱۴۴ (مشاوره سه جانبه در روابط کار) سازمان بین‌المللی کار است. با این حال گروهی از فعالان کارگری معتقدند پیوستن ایران به مقاوله‌نامه ۱۴۴ نوعی حرکت تبلیغاتی است. آنها روند تعیین دستمزد سالانه کارگران را مثالی روشن برای ادعای خود می‌دانند و می‌گویند با وجود اینکه هر ساله گروه کارگری با در نظر گرفتن تورم و سبب معیشت نظر خود را در خصوص سطح دستمزدها اعلام می‌کند اما دولت بدون رعایت سه جانبه‌گرایی رقمی را که خود مایل است به عنوان مزد تعیین می‌کند. فعالان کارگری معتقدند در چنین شرایطی با توجه به عدم موازنه قدرت میان سه طرف گفتگو، کفه ترازو به نفع دو جریان بزرگتر و دارای منابع سرمایه‌ای بیشتر یعنی دولت و کارفرما سنگین‌تر می‌شود



اصلاح آیین‌نامه‌ی مشاغل سخت‌وزیان آور آخرین وضعیت: در حال بررسی

این اصلاحیه که از سوی اتاق بازرگانی و گروه‌های کارفرمایی ارائه شده، با هدف کاستن از سنوات ارفاقی کارگرانی‌ست که در اینگونه مشاغل مشغول به کارند. فعالان کارگری با انتقاد از مفاد این اصلاحیه، به اصلاح یکسویه قانون مشاغل سخت و زیان‌آور بدون حضور نمایندگان کارگری معترضند.

- طرح افزایش سن بازنشستگی آخرین وضعیت: در حال بررسی

بر اساس این طرح که در لایحه بودجه ۱۴۰۲ مورد توجه قرار گرفته، «سنوات خدمت مورد قبول برای بازنشستگی در صورت اعلام نیاز دستگاه و رضایت مستخدم بدون رعایت شرط سنی به مدت ۲ سال افزایش می‌یابد. با وجود اینکه دولت مبنای این طرح را بالا رفتن سن امید به زندگی دانسته، ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی تنها دو عامل سن و سنوات خدمت را مبنای بازنشستگی می‌داند. فعالان کارگری می‌گویند، سخت‌تر شدن شرایط بازنشستگی به معنی دریافت بیشترین حق بیمه و پرداخت کمترین مستمری به بیمه شده است و به نظر می‌رسد که با هدف درآمدزایی صورت می‌گیرد.



- طرح مجلس برای بیمه کارگران ساختمانی آخرین وضعیت: تصویب شد / در انتظار تأمین بودجه

طرح اصلاحیه ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی آذرماه امسال بعد از حدود دو سال در صحن علنی مجلس به تصویب رسید. این طرح با طرح اولیه‌ی مجلس تفاوت‌هایی دارد و این موضوع باعث نگرانی بسیاری از فعالان صنفی کارگران ساختمانی شده است. طبق مصوبه‌ی مجلس، ضریب تعیین شده برای پرداخت حق بیمه ۱ تا ۴ درصد تعیین شده است در حالیکه در طرحی که فروردین ماه ۱۴۰۱ وارد صحن علنی مجلس شده بود، ضریب تعیین شده ۱ تا ۱۴ درصد بوده است. با این حال با تصویب و اجرای طرح اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی، حدود پانصد هزار کارگر ساختمانی که برای تحت پوشش قرار گرفتن بیمه تأمین اجتماعی در نوبت قرار داشتند، بیمه خواهند شد.

- طرح تبدیل وضعیت کارکنان رسمی - کارگری به رسمی
آخرین وضعیت: در نوبت بررسی

بر اساس طرح تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان رسمی - کارگری به رسمی یا پیمانی در دستگاه‌های اجرایی، دولت موظف است احکام استخدامی کارکنان رسمی - کارگری در دستگاه‌های دولتی را به رسمی - کشوری یا پیمانی تغییر دهد. بعد از تصویب این قانون، کارکنان فوق از همه مزایای قانون مدیریت خدمات کشوری مشابه سایر مستخدمین دولت بهره‌مند خواهند شد. طرحی که مزایای حقوقی و رفاهی بیشتری برای کارگران شاغل در دستگاه‌های اجرایی خواهد داشت.

- طرح ساماندهی نیروهای طرف قرارداد با شرکت‌های
پیمانکاری تأمین نیروی انسانی (جایگزین) یا طرح
ساماندهی کارکنان دولت

آخرین وضعیت: ایراد شورای نگهبان به عدم پیش
بینی بار مالی طرح و ارجاع طرح از شورای نگهبان به
مجلس

- طرح پیگیری حقوق قضایه اخبار کذب در فضای
مجازی

آخرین وضعیت: در حال بررسی

در جریان ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ در ایران و گسترده شدن اعتراضات مردمی در کشور، کمیسیون قضایی مجلس از تهیه و تدوین طرحی در خبر داد که بر اساس آن با ناشران اخبار نادرست و کذب برخورد قانونی خواهد شد. بر اساس این طرح « هر کسی در فضای مجازی اخبار نادرستی را نشر دهد یا آن را بزرگنمایی کند، باید پاسخگوی عملکرد خود در دادگاه باشد و این موضوع برای فرد یا رسانه‌ای تفکیک قائل نیست و همه را در بر می‌گیرد. مقدمه توجیهی این طرح و متن آن تاکنون منتشر نشده است اما این اظهارات منجر به نگرانی فعالان رسانه برای تشدید فعالیت آزادانه رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران شده است.

در این طرح چند هدف عمده دنبال شده است، نخست ممنوعیت بکارگیری پیمانی نیروها در کارهایی که ماهیت دائم دارند، دیگری حذف شرکت‌های واسطه نیروی انسانی است و مورد سوم جرم‌انگاری برای ادامه فعالیت شرکت‌های پیمانکاری. با تصویب این طرح، به کارگیری نیروی انسانی برای انجام وظایف خدماتی که ماهیت بلندمدت (بیش از یک سال) دارند صرفاً از طریق انتشار آگهی عمومی، برگزاری آزمون و طی مراحل گزینش به صورت عقد قرارداد مستقیم با دستگاه‌های اجرایی خواهد بود. این طرح از سوی فعالان کارگری به طور جدی پیگیری می‌شود اما شورای نگهبان به عدم پیش‌بینی بار مالی در طرح ایراد گرفته و آن طرح را برای اصلاح به مجلس ارجاع داده است.

عملیات:

رویکرد حکومت نسبت به فعالیت‌ها وکنش‌های صنفی و کارگری (محدودیت‌ها و برآوردها)

«لایحه جامع روزنامه‌نگاری»
آخرین وضعیت: در حال بررسی

چنانکه اشاره شد یکی دیگر از رویکردهای حکومت در مواجهه با نیروی کار، ایجاد محدودیت‌هایی برای فعالیت صنفی گروه‌های کارگری است. این محدودیت‌ها در یکسال گذشته، با افزایش نظارت کنترل و سرکوب سیستماتیک کنشگران صنفی و کارگری (اخراج، بازداشت، پرونده‌سازی، صدور احکام قضایی برای فعالان صنفی و سندیکایی) تشدید شد.



در روزهای پایانی پاییز ۱۴۰۱، موضوع تصویب لایحه جامع روزنامه‌نگاری در دولت نیز خبرساز شد. سرانجام اوایل دی ماه ۱۴۰۱ بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم خبر داد که این لایحه در کمیسیون فرهنگی دولت تصویب شده و شامل ۶۰ ماده از قبیل بیمه، امنیت شغلی و صدور پروانه است. جزییات این لایحه منتشر نشده اما بحث صدور پروانه و تایید صلاحیت برای فعالیت روزنامه‌نگاران در دوره‌های گذشته نیز مطرح شده بود و رویکردی دولتی و امنیتی به این مقوله همواره با انتقاد روزنامه‌نگاران و فعالان صنفی مواجه شده بود. در حال حاضر نیز گروه‌های صنفی از جمله انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با ابراز نگرانی شدید از عدم اطلاع‌رسانی دقیق در مورد طرح و لایحه مذکور و تلاش برای این شیوه قانون‌نویسی، نگرانند که در صورت نهایی شدن این طرح‌ها و لوایح و تبدیل آنها به قانون اگر مطالب روزنامه‌نگار خوشایند دولت نباشد، علاوه بر جلوگیری از انتشار حتی این امکان فراهم شود که از ادامه کار رسانه‌ای خبرنگاران نیز جلوگیری به عمل آید.



تدوین و اجرای مقررات محدودکننده برای ادامه فعالیت (محدودیت دسترسی به اینترنت و فیلترینگ گسترده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی)

برخورد با فعالان صنفی و کارگری در شش ماهه اول سال ۱۴۰۱ با پرونده‌سازی امنیتی علیه جمعی از فعالان کانون‌های صنفی معلمان که برای عدالت آموزشی و اجرای نظام رتبه‌بندی با هدف افزایش حقوق معلمان تلاش می‌کردند و همچنین برخی فعالان سندیکایی آغاز شد.

پس از بازداشت جمع زیادی از فعالان صنفی سرشناس معلمان و جمعی از فعالان سندیکایی در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ و پرونده‌سازی علیه آنان، مستندی از اعترافات اجباری دو تبعه فرانسوی مبنی بر زمینه‌سازی برای **انقلاب و آشوب** در ایران از طریق همکاری با فعالان صنفی معلمان و کارگران منجر به صدور احکام طولی‌المدت برای تعدادی از اعضای کانون‌های صنفی معلمان و فعالان سندیکایی شد.

به نحوی که بر اساس احکام صادر شده برای سه عضو کانون صنفی معلمان محمدحبیبی، جعفر ابراهیمی و رسول بدایق، مجموعاً پانزده سال حبس صادر شد. وکلای این فعالان صنفی اظهار کرده‌اند که آراء صادر شده برای آنان با استناد به اعترافات اجباری دو متهم فرانسوی تنظیم شده است.

همچنین در ادامه احکام صادر شده برای این پرونده، رضا شهابی و حسن سعیدی، فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، هریک به شش سال حبس تعزیری (پنج سال اجرایی) محکوم شدند. همچنین در حکم صادره مجازات تکمیلی مبنی بر ممنوعیت خروج از کشور و عضویت در احزاب و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و منع اقامت در تهران و استان‌های مجاور به مدت ۲ سال تعیین شده است.

پس از این وقایع و همزمان با شدت گرفتن اعتراضات ضدحکومتی در ایران در بازه زمانی مهر تا آذر ۱۴۰۱، همزمانی برخی اعتراضات کارگری با اعتراضات سراسری منجر به بازداشت برخی از کارگران، پرونده‌سازی و ایجاد محدودیت‌های فراقانونی برای گروهی دیگر شد.

اخراج، انفصال از خدمت، توبیخ، کسر از حقوق و حذف تعدادی از فعالان صنفی معلمان از نظام رتبه‌بندی و اصطلاحاً «ستاره‌دار» شدن آنها از جمله اقدامات محدودکننده دیگری بود که در پی تلاش برای احقاق حقوق صنفی‌گرایان فعالان صنفی معلمان در برخی از استان‌های کشور شد. این روند برای معلمان در بند، در سطح قضایی هم به گونه‌ای دیگر دنبال شده است. به نحوی که بر اساس گزارش کانال‌های صنفی معلمان تنها در شش ماه گذشته برای ۲۶ نفر از معلمان بازداشتی، بیش از ۱۵ میلیارد تومان قرار وثیقه صادر شده است.

همچنین در جریان اعتراضات کارگران پروژه ای در همبستگی با اعتراضات مردمی طی روزهای هجده و نوزدهم مهر ماه در سایت یک بوشهر، کنگان و فاز ۲ پالایشگاه آبادان بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران بازداشت شدند. تعداد زیادی از آنان بعد از مدت کوتاهی با قید وثیقه و یا قرار کفالت و پرداخت جریمه نقدی آزاد شدند و تعداد محدودی برای هفته‌ها در بازداشت به سر بردند و سپس آزاد شدند.

ایجاد محدودیت و سرکوب اعتراضات کارگری در مناطق نفت و گاز تنها به کارگران پروژه‌ای محدود نشده است. بنابر خبرهای دریافتی از منابع کارگری شاغل در این مناطق، پیگیری مطالبات صنفی نیز برای کارگران عملیاتی و رسمی نفت چندان آسان نیست و بسیاری از آنها در پی مشارکت در فعالیت‌های صنفی، با تهدید امنیت شغلی خود مواجه هستند. این در حالیست که تلاش تنها انجمن صنفی رسمی کارگران پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی برای برگزاری تجمعات صنفی در بهمن ۱۴۰۱ به بن‌بست خورد و با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی نه تنها از برگزاری آن جلوگیری به عمل آمد، بلکه برخی از اعضای هیات مدیره این انجمن نیز برای مدتی بازداشت شده و ورود آنها به محل کار منع شد.



بررسی منحنی وضعیت جنبش کارگری در یکسال گذشته نشان دهنده فراز و فرودهای سینوسی آن در مقاطع زمانی متعدد است. به این ترتیب در یک تقسیم بندی زمانی می‌توان یکسال گذشته را از لحاظ تحرکات درونی جنبش کارگری به چهار مرحله تقسیم کرد:

- افزایش اعتراضات برخی از گروه‌های صنفی از جمله بازنشستگان و معلمان در بهار ۱۴۰۱

- سرکوب نسبی جنبش پیشروی معلمان و در مقابل افزایش گستره مطالبه‌گری برخی گروه‌های صنفی از جمله بازنشستگان (بازه زمانی تیر تا شهریور ۱۴۰۱)

- تمرکز بر کنش‌های مجازی و ایجاد وقفه در فعالیت‌های میدانی (بازه زمانی شهریور تا مهر ۱۴۰۱)

- از سرگیری فعالیت‌های میدانی و صنفی در برخی حوزه‌ها از جمله صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، رانندگان خطوط حمل و نقل جاده‌ای، صنایع زیرمجموعه خودروسازی، فولاد و ذوب آهن، مخابرات (بازه زمانی آبان تا پایان ۱۴۰۱)

در عین حال استراتژی حکومت برای مواجهه با این کنش‌های کارگری نیز با فراز و فرودهایی روبرو بوده است. گاه در پی گستردگی دامنه اعتراضات برخی گروه‌ها همچون اعتراضات کارگران عملیاتی و رسمی نفت و یا در مقابل اعتصاب ده روزه کامیونداران واکنش نشان داده و وعده اصلاح یا اجرای قوانین و مقررات را داده و گاه همچون ماجرای بازداشت صدها کارگر در جریان اعتراضات کارگران پروژه‌ای مناطق نفت، گاز و پتروشیمی و یا پرونده‌سازی بر علیه فعالان صنفی معلمان، استراتژی سرکوب و امنیتی‌سازی را در دستور کار قرار داده است.

در عین حال حکومت تلاش کرده در کنار محدودسازی فعالیت مستقل تشکیلاتی که در چهار دهه گذشته به عنوان پروژه‌ای مداوم دنبال شده، با اجرای طرح‌هایی همچون محدودسازی اینترنت و فیلترینگ گسترده شبکه‌های اجتماعی، ضمن بیکارسازی گروه زیادی از کارگران شاغل در اقتصاد گیگ؛ اندک فعالیت‌های مجازی برای سازماندهی غیررسمی کارگران کسب و کارهای سنتی را نیز مختل کند.



در حال حاضر اما روند مطالبه‌گری با شدت و ضعف‌هایی در جریان است. با کاهش نسبی دامنه اعتراضات خیابانی ناشی از ناآرامی‌های اجتماعی، اعتراضات و کنش‌های کارگری زیر سایه سنگین محدودیت‌های امنیتی در میان کارگران برخی صنایع، واحدهای خدماتی و تولیدی و همچنین برخی گروه‌های صنفی از جمله بازنشستگان در جریان است.

این کنش‌ها که همچون گذشته عمدتاً فاقد بسیج گسترده و سازماندهی تشکیلاتی ذینفعان هستند، در بسیاری از موارد برای مدت طولانی به تحرکات خیابانی و یا درون کارگاهی، محدود می‌مانند که روند مطالبه‌گری را به روندی فرسایشی بدل می‌کند.

این در حالیست که با وجود فقدان منابع مختلف، اغلب این کنش‌ها طور بالقوه از امکان « نمایندگی » طیف گسترده‌ای از گروه‌های کارگری و صنفی برخوردارند. کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، کامیونداران، کارگران شاغل در زیرمجموعه‌های خودروسازی، کارگران خدماتی شهرداری‌ها، معلمان، بازنشستگان نماینده طیف وسیعی از کارگران و مزدگیرانی هستند که یک یا چند درد مشترک دارند. با این حال فقدان سازمان‌یافتگی و نداشتن نقشه‌راه برای کنشگری‌های کم‌هزینه در مقابل سرکوب سیستماتیک، امکان موفقیت این کنش‌ها و نتیجه‌بخش بودن آنان را به سختی امکان پذیر کرده است.



بسیاری از صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کنند که با توجه به افزایش شکاف‌های اقتصادی و بحران درآمدی، قدرت گرفتن جنبش‌های کارگری یکی از محتمل‌ترین وقایع اجتماعی در آینده ایران است. در همین راستا با وجود سابقه تاریخی این جنبش در تحولات اجتماعی و لزوم تقویت ساختارهای ضعیف و فرسوده تشکیلاتی آن در تقابل با ابزارهای حکومت برای محدودسازی سیستماتیک فعالیت تشکیلاتی هدفمند؛ پیشنهاد می‌شود که کنشگران کارگری؛

- داشتن برنامه عمل برای ادامه مسیر کنشگری و مشخص کردن اهداف برای بازه‌های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را مدنظر قرار داده و با اعلام مواضع صنفی از تبعات کنش‌های پرهزینه تا پیش از قدرتگیری جنبش کارگری بکاهند.

- ارزیابی و پایش دوره‌های نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی فعالیت‌های میدانی و مجازی را در دستور کار قرار دهند.

- ایجاد و احیای مجامع، تشکل‌ها و انجمن‌های رسمی و غیررسمی برای جلب مشارکت حداکثری ذینفعان را در زمره مهمترین الویت‌های برنامه‌های خود قرار دهند.

- از همه ظرفیت‌های سیاسی، صنفی و استراتژی‌های راهبردی (همچون مذاکره، نامه‌نگاری، جمع‌آوری امضاء، کمپین‌سازی، صدور بیانیه، ائتلاف با یکدیگر، تجمعات و ...) برای تحقق مطالبات صنفی خود استفاده کنند و هزینه مشارکت صنفی را تا زمانی قدرتیابی کارگران به حداقل برسانند.

- از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی (در صورت دسترسی) برای نیازسنجی، شناخت ظرفیت‌ها، بسیج بدنه و ایجاد انجمن‌های مجازی استفاده کنند

- مطالبات مشترکی همچون افزایش حقوق، دستمزد و مستمری سالانه، مقاومت در برابر اصلاح مواد حمایتی قانون کار، تقاضا برای لغو قوانین ناظر بر موقتی‌سازی نیروی کار و استثمار کارگران و همچنین تلاش برای لغو قوانین محدودکننده ایجاد تشکل‌های کارگری مستقل را با ایجاد ائتلاف‌های فراگیر در دستور کار قرار دهند.

- بین مطالبات صنفی، حقوقی و معیشتی با مطالبات مدنی و سیاسی جنبش‌های اجتماعی پیوند ایجاد کرده و مواضع و مطالبات خود را برای ایجاد پیوند استراتژیک با این جنبش‌ها به صراحت اعلام کنند.

1. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1275067>
2. <https://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=261981>
3. <https://davtalab.org/2023/2356/>
4. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1298563>
5. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1297586>
6. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1305532>
7. <http://www.ensafnews.com/389894>
8. <https://davtalab.org/2022/2288/>
9. <https://www.radiozamaneh.com/747577/>
10. <https://shenasname.ir/doctrin/48297->
11. <http://rc.majlis.ir>
12. <http://Karzar.net>
13. <http://Farsnews.ir>
14. <https://davtalab.org/2023/2369/>
15. <https://davtalab.org/2022/1794/>
16. <https://davtalab.org/2022/1879/>
17. <https://davtalab.org/2022/1964/>
18. <https://davtalab.org/2022/2030/>
19. <https://davtalab.org/2022/2190/>
20. <https://davtalab.org/2022/2234/>
21. <https://davtalab.org/2022/2265/>
22. <https://davtalab.org/2023/2319/>
23. <https://davtalab.org/2023/2369/>
24. <https://www.radiozamaneh.info/u/wp-content/uploads/2022/06/LaborRightsReport-no21-April-June-2022fa.pdf>
25. <https://www.radiozamaneh.info/u/wp-content/uploads/2022/09/LaborRightsReport-no22-July-September-2022fa.pdf>
26. <https://www.radiozamaneh.info/u/wp-content/uploads/2022/12/LaborRightsReport-no23-October-December-2022fa2.pdf>
27. <https://t.me/kashowra>
28. <https://t.me/ettehad>
29. <https://t.me/shoranaft>
30. <https://t.me/Afkarnaft>

یرونده ویژه داوطلب

مروری بر وضعیت کارگران و جنبش کارگری ایران در سال ۱۴۰۱

تکلیف برای «حق اعتراض» و «آزادی انجمن»

davtalab.org

بهار ۱۴۰۲